

۱۶۵۸۰۴۱

بازی‌های تولد

مجموعهٔ زمان وحشت

برای بازی کردن می‌میری؟

نوشتهٔ

آر. ال. اساین

ترجمه: سید مصطفی رضیانی

۱۸۹
نشر ویدا

سرشناسه	:	استاین، آر. ال؛ ۱۹۴۳-م.
عنوان و نام پدیدآور	:	Stine, R. L. بازی‌های تولد / برای بازی کردن می‌میری؟ / نوشته آر. ال. استاین؛ ترجمه سیدمصطفی رضیانی؛ ویراستار مارال کریمی.
مشخصات نشر	:	تهران: ویدا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	:	۲۹۴ص؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
فروست	:	مجموعه زمان وحشت.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۲۹۱-۱۴۷-۶
وضعیت فنی-تنبویی	:	فیا.
یادداشت	:	عنوان اصلی: Party games: a fear street novel.
موضوع	:	داستان‌های آمریکایی-- قرن ۲۰م.
شناسه افزوده	:	داستان‌های وحشت‌آفرین-- قرن ۲۰م.
شناسه افزوده	:	رضیانی، سیدمصطفی، ۱۳۶۳- مترجم.
رده‌بندی کنگره	:	۳۵۰.۰۰۰ ۱۳۹۴ ۲۶ ۲۱۴س/
رده‌بندی دیویی	:	(ج) ۸۱۳ / ۳۹۷۵-۷
شماره کتاب‌شناسی ملی	:	

ویدا

نشر ویدا

بازی‌های تولد

زمان وحشت (برای بازی کردن می‌میری؟)

نویسنده	ر. ال. استاین
مترجم	سیدمصطفی رضیانی
ویراستار	مارال کریمی
مدیر هنری	کیانوش غریب‌زاده
صفحه‌آرا	افسون فهیمی
لیتوگرافی	نقره آبی
چاپ و صحافی	رامین
چاپ اول	۱۳۹۵
شمارگان	۱۱۰۰
شابک	۹۷۸ ۶۰۰ ۲۹۱ ۱۴۷ ۶
قیمت	۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ است

تهران: سعادت‌آباد دیش خیابان شانزدهم ساختمان کاج واحد ۱۵
تلفن: ۲۳۲۷۰۴۹۹ / تلفکس: ۲۳۲۷۳۴۴۲ / همراه: ۰۹۱۲۱۹۷۳۳۰

www.vidabook.ir info@vidabook.ir

Telegram:@vida_publishing Instagram:vidapublic

بخش انجام کتاب

تهران خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین خیابان روانمهر پلاک ۱۳۴
تلفن: ۶۶۴۱۰۷۲۱ / همراه: ۰۹۱۲۱۲۹۵۶۰

مقدمه

درخت‌های خیابان هراس و دهک‌ها هکتار از حاشیه شرقی شهر شدی‌ساید^۱ را پر کرده‌اند. درخت‌های بلند و پر برگ افرا و چنار با قرن‌ها قدمت، حتی در آفتابی‌ترین روزها هم، جنگل‌هایی گم‌گرفته و خنک آفریده‌اند. جنگل‌های این خیابان زیبا، معطر و آرام هستند، اما کمتر کسی از اهالی شدی‌ساید برای پیاده‌روی یا پیک‌نیک سری به آن‌ها می‌زند. شاید آن‌ها داستان دو دختری را که میان این درخت‌ها پیدا شدند، شنیده باشند. تمام استخوان‌های بدن آن‌ها ناپدید شده بود. یا شاید هم مردم شهر متوجه این واقعیت عجیب نشده‌اند که هیچ پرنده‌ای جرأت نزدیک شدن به این درخت‌ها یا نشستن روی شاخه‌هایشان را ندارد. بیشتر مردم چیزهایی مثل این را نشانه یک هشدار مهم می‌دانند. یا شاید هم به این دلیل باشد که همه اهالی شهر شب‌ها صدای ناله‌ها و زوزه‌هایی غیر انسانی را می‌شنوند که بدون هیچ دلیلی از فراز درخت‌ها بیرون می‌زند.

همه اهالی شهر کوچک و دوست‌داشتنی شدی‌ساید داستان‌هایی را درباره خانواده هراس شنیده‌اند. آن‌ها ساکنان اولیه این شهر بودند و زمانی

که دنبال یاد گرفتن جادوی سیاه رفتند، اهریمنی ناشناخته آن‌ها را نفرین کرد. اهالی شدی ساید می‌دانند که از این درخت‌ها و خیابان هراس، که نام همین خانواده را بر دوش می‌کشد، بایستی دوری کرد.

ریچل مارتین^۱، دانش‌آموز سال آخر کالج شدی‌ساید، از زمان تولدش در همین شهر زندگی کرده است. او بهتر از هر کسی می‌داند که بایستی از بردن هراس^۲ و مهمانی‌اش در خانه تابستانی خانوادگی‌شان در جزیره هراس دوری کند. ریچل می‌داند که خطرهایی در کمین همراهی با اعضای این خانواده است، اما بعضی وقت‌ها آدمیزاد عقل سلیم خودش را فدای حس درونی‌اش می‌کند.

گذشته از این، تمام داستان‌های ترسناک خانواده هراس مربوط به تاریخ گذشتگان هستند مگر، مگر نه؟
مگر نه؟

ریچل پیش می‌رود و قدم در این آخر هفته رویایی می‌گذارد، اما به-زودی می‌فهمد که تاریک‌ترین کابوس‌های خیابان هراس در کجا جا خوش کرده‌اند.

آر. ال. استاین